

فریدریش نیچه

❖
چنین گفت زرتشت
❖

کتابی برای همه کس

و

هیچکس

ویرایش جدید

ترجمه: مسعود انصاری



سرشناسه:

نیچه، فریدریش ویلهلم، ۱۸۴۴ - ۱۹۰۰.

Nietzsche, Friedrich Wilhelm

عنوان و نام پدیدآور:

چنین گفت زرتشت: کتابی برای همه کس و هیچکس
فریدریش نیچه: ترجمه مسعود انصاری.

مشخصات نشر:

تهران: جامی، ۱۳۷۷

مشخصات ظاهری:

۳۸۲ ص

شابک:

978-964-5620-60-6

وضعیت فهرست نویسی:

فیا

یادداشت:

Also sprach zarathustra: عنوان اصلی:

موضوع:

فلسفه آلمانی.

شناسه افزوده:

انصاری، مسعود - ۱۳۲۲ - مترجم

رده‌بندی کنگره:

۱۳۷۷ ج ۹۳ ن / ۲۷۵۰ B۲۷۵۰

رده‌بندی دیویی:

۱۹۳

شماره کتابشناسی ملی:

۷۷-۱۶۸۸۲ م



خیابان دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن: ۶۶۲۶۸۸۵۱ - ۶۶۲۶۰۲۲۳

www.Jamipub.ir info@jamipub.ir

چنین گفت زرتشت

فریدریش نیچه

ترجمه‌ی مسعود انصاری

چاپ هفدهم: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰ جلد

چاپ: فراین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۶ - ۶۰ - ۵۶۲۰ - ۹۶۲ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 5620 - 60 - 6

۹۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۸۷	هزار و یک هدف	۵	پیشگفتار
۹۰	عشق همسایه	۱۱	دیباچه
۹۲	راه‌های نو آنتریم	۲۹	سرآغاز
۹۵	پیرزنان و دخترکان جوان		
۹۷	نیش ماز	۲۹	کتاب اول
۹۹	فرزند و ازدواج	۵۰	دگرگونی در سه مرحله
۱۰۲	گزینش مرگ	۵۳	منابر فضیلت
۱۰۵	فضیلت بخشنده	۵۶	بازخواست دلباختگان سرای دیگر
		۶۰	خواردارندگان تن
۱۱۱	کتاب دوم	۶۲	خوشی‌ها و خواستنی‌ها
۱۱۲	کودکِ آینه به دست	۶۴	بزهکارِ رنگ‌باخته
۱۱۵	در جزیره‌های نیکبختی	۶۷	خواندن و نوشتن
۱۱۸	مهرورزان	۶۹	درخت بالابلند کوهستان
۱۲۱	کشیشان	۷۳	واعظانِ مرگ
۱۲۵	فاصلان	۷۵	جنگ و جنگجویان
۱۲۸	فروماپگان	۷۷	بت جدید
۱۳۱	رتیلان	۸۰	مگسای بازار
۱۳۵	فرزندگانِ نامدار	۸۳	پارسایی
۱۳۸	ترانه شب	۸۵	دوست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۵۹	شفا یافته	۱۴۱	ترانه پایکویی
۲۶۶	اشتیاقِ بزرگ	۱۴۴	سرود گورها
۲۹۶	سرودی دیگر برای رقص	۱۴۷	پیروزی بر خویشان
۲۷۲	هفت مهر با سرود آغاز و پایان	۱۵۳	بزرگان
		۱۵۴	سرزمین فرهنگ
۲۷۹	کتاب چهارم	۱۵۷	شناخت پای
۲۸۰	انفاقِ انگبین	۱۶۰	دانشمندان
۲۸۴	فریادخواهی	۱۶۲	شاعران
۲۸۸	گفتگو با شاهان	۱۶۶	رویدادهای سترگ
۲۹۲	زالو	۱۷۰	فالقیر
۲۹۶	جادوگر	۱۷۴	نجات
۳۰۳	بازنشسته	۱۷۹	زیرکمی بشری
۳۰۷	زشت‌ترین مردم جهان	۱۸۲	خاموش‌ترین لحظه‌ها
۳۱۲	گدایِ سرخواست		
۳۱۷	سایه	۱۸۷	کتاب سوم
۳۲۰	در نیروز	۱۸۸	سرگشته
۳۲۴	سلام	۱۹۲	شهود و معنا
۳۲۹	عشایِ رتانی	۱۹۷	شادمانی ناخواسته
۳۳۱	انسانِ برتر	۲۰۱	پیش از برآمدنِ خورشید
۳۴۲	آوازِ آندوه‌ها	۲۰۴	فضیلتِ خواردارنده
۳۴۸	دانایی	۲۱۱	بر کوه زیتون
۳۵۲	با دخترانِ دشت	۲۱۴	گذر بر کناره
۳۶۰	بیداری	۲۱۸	از دین برگشتگان
۳۶۳	جشن درازگوش	۲۲۲	بازگشت
۳۶۷	سرود مستانه	۲۲۶	سه سرّ
۳۷۵	نشانه	۲۳۲	چنان سنگینی
		۲۳۷	الواح نوین و کهن

به نام ایزد یکتا

پیشگفتار

دربارهٔ نیچه، نابغهٔ قرن نوزدهم، یگانهٔ روزگارِ خویش، اندیشه‌ورِ صاحب‌خردِ سرکش، شاعر، ادیب، فیلسوف و به قول دکتر شریعی افکارِ بشریتِ قرن ۱۹، سخن بسیار گفته‌اند.

برخی او را فروغ‌نیتیده در مغای خدانشناسی و الحاد می‌بینند و منادیِ مرگِ خدای! و گروهی با عنایت به پاره‌ای آموزه‌هایش، از قبیل ارادهٔ معطوف به قدرت، رحم‌ستیزی، ضعیف‌کشی، نوآفرینی و بویژه محور اصلی اندیشهٔ نیچه، یعنی نوآفرینی انسان برتر، هرکاری را که نازی‌ها و دیگران در قرن بیستم - به انگیزهٔ صرف نژادی و با این وهم که خود برترند - مرتکب شدند، پروردهٔ دامن اندیشه‌های نیچه دانسته‌اند.

حال آنکه شاید بتوان گفت حتی یک سطر از نوشته‌های نیچه را هم نخوانده‌اند و اگر هم خوانده باشند، هیچ دریافته‌اند.

برخی نیز مقهور جنبه‌های بسیار قوی ادبی آثار نیچه شدند، آثاری گراتیبا، آن هم با نقش تاریخی مؤثر اینان آثار او را خدمتی به ادبیات جهانی بویژه پرورش زبان آلمانی دانسته و جنبهٔ هنری آثار نیچه چنان حجابی بر چشمان گمان‌آنان برافکنده که فراسوی آن، اندیشهٔ ژرف نیچه را در ابهام می‌بینند، البته کسانی هم به اقتضای شیوهٔ

نگارش و ایهامات و احتمالاً در ظاهر، تناقضاتی که از نیچه برجای مانده نظرگاه هایی دیگر دربارهٔ او دارند، اما ما را دربارهٔ این فیلسوف بزرگ سختی دیگر است که البته در مباحثی که پیرامون کتاب «چنین گفت زرتشت» عنوان خواهیم کرد، هر چند اندک، روشن‌تر به بحث خواهیم نشست، زیرا باور داریم

هر کسی از ظن خود شد یار من
وز درون من نجست اسرار من
کسی که به مرگ خدای نظر دارد نه به نبود خدای، چگونه ضد خدا تواند بود. زیرا نیچه باور داشت خدا بوده و هست و به مجاز از مرگ او سخن گفته است. به بیانی روشن‌تر مرگ خدا از نظرگاه نیچه به اعتبار آفریده است نه آفریدگار چنانکه در جای جای آثار نیچه از خدای محبوب او نیز سخن به میان آمده است. شاید ذکر نمونه‌ای شرقی، در باب نظرگاه ما پیرامون مرگ خدای، به اعتبار آفریده نه آفریدگار، روشنگر باشد. زیرا حکمای ما قریب به این مضمون سخنانی گفته‌اند و پارسیان و شرقیان معانی دان و آگاه از اقتضای کلام مرکز بر آنان خرده نگرفته‌اند، چنانکه شیخ سعدی می‌فرماید:

کرم بین و لطف خداوندگار
گنه بنده کرده است او شرمسار
اگر مته بر خشخاش نهادن دوا باشد، می‌توان چنین خرده گرفت، چرا آن گوهر پر فروغ ادب پارسی، خدای شرمساره گفته است؟ اما فهمان مشرق زمین به این امر آگاهند که مراد شیخ اجل شرمساری به اعتبار غایت است، وگرنه نسبت دادن چنین دیگر شدن، چگونه به ذات اقدس لاخیر رویی روا تواند بود؟

آری نیچه از مرگ خدای سخن گفته است، اما کدام خدای؟ به قول هایدگر مراد از مرگ خدا از نظر نیچه خدای متافیزیک است نه الوهیت. خدای مسیحیت افلاطونی است نه خدای واقعی.

اگر نیچه از مرگ خدا سخن گفته از خدا نیز سخن گفته است، اگر از درهم شکستن الواح دیرین مبتنی بر خرافاتها سخن گفته از نوآفرینی الواح نوین مبتنی بر خرد نیز سخن گفته است، اگر از ارادهٔ معطوف به قدرت و ناتوان‌کشی و مهرناورزی سخن گفته است، در عمل خود جانب‌باخته مهر خویش شد. از این روی داوری دربارهٔ چنین بزرگ‌مردی بدون سازمان دادن اندیشه‌های وی در یک چارچوب روشمند کاری پس

دشوار است. کوتاه سخن اینکه اگر کسی بخواهد تصویر و تصویری درست از نیچه در ذهن داشته باشد، به رغم آنکه باید آثار پدید آمده در عرصه نیچه‌شناسی را مطالعه کند تا با نظرگاه‌های گوناگون درباره او و فلسفه و اندیشه او آشنا شود، باید خود را از بند داوریه‌های نویسندگان این آثار نیز رها سازد و نیچه را چنانکه هست در آثار او بشناسد.

چنین گفت زرتشت

درباره کتابی جاودانه سخن گفتن، آن هم کوتاه سخن گفتن، گوارش کردن، اما به عنوان پیشگفتار یا پی‌نوشت، کاری بس دشوار است. آری «آن هم درباره آثار جاودانه».

نگارنده این سطور در مقدمه ترجمه کتاب «عیسی فیژند انسان» اثر جبران خلیل اشاره کردم: «با اینکه درد و احساس دو درخت رسته از یک شاخه کاندند... اما برخی از آثار جبران را باید لذت برد و فهمید و برخی دیگر را فهمید و لذت برد» اما اینک ناگزیر باید بگویم، کتاب «چنین گفت زرتشت» را هم باید فهمید و لذت برد و هم لذت برد و فهمید و چه بسیار اندک‌شمارند کتابهایی که چنین ویژگی‌ای را یکجا در خود دارند.

گرچه سخن‌شناسان هر آنچه را که از خامه نیچه تراوده است، بی‌نظیر و بی‌مانند می‌دانند. اما «چنین گفت زرتشت» است که از نیچه «شاعری فیلسوف» یا «فیلسوفی ادیب» ساخته است.

در پاسخ این پرسش که چرا نیچه سخنان ژرف معنای خود را از زبان زرتشت، پیامبر ایران باز می‌گوید، چنانکه خود نیز بر این باور است، «... عمق جدیت و کُلّ فلسفه من در پس آن الفاظ ساده و غریب نهفته است»^۱ سخنان بسیاری گفته‌اند، اما به نظر می‌رسد به رغم تفاوت ماهوی بین زرتشت نیچه که شخصیتی است نمادین و سمبلیک - بهر آنکه نیچه بتواند از زبان حکیمانه او سخنان خویش را بازگوید - و

۱. نیچه ج. ب. استرن. ترجمه عزت‌الله فولادوند.